

● اهداف فصل اول

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی – یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

ابزارهای اندازه‌گیری قدیم و جدید

درس اول ذخیره دانشی

«گویند پادشاهی پسر خود را به جماعتی اهل هنر سپرده بود تا او را از علوم نجوم آموخته بودند و استاد تمام گشته با کمال کودنی و بلاهت! روزی پادشاه انگشتی در مشت گرفت، فرزند خود را امتحان کرد که بیا بگو در مشت چه دارم؟ پسر گفت: آنچه داری گرد است و زرد است و مجوف^۱. پدر گفت: چون نشانی‌های راست دادی، پس حکم کن که آن، چه چیز باشد؟ پسر گفت: می‌باید که غریب باشد. پدر گفت: آخر، این چندین نشانی‌های دقیق را، که عقول در آن حیران شوند، دادی از قوت تحصیل و دانش؛ این قدر بر تو چون فوت شد که در مشت، غریب ننگند؟» (فیه مافیه مولانا)

آدمی از همان ابتدای تولد صداهایی را می‌شنود، کم‌کم چشم باز می‌کند، به تدریج اطراف خود را می‌بیند و به مرور اشیا و افراد را از هم تشخیص می‌دهد. بعد از مدتی با کلمات آشنا می‌شود و سخن می‌گوید و با سخن گفتن، روند آگاهی او از جهان اطرافش سرعتی شگرف می‌یابد. تا قبل از اینکه بتواند سخن بگوید، از راه حس (شنیدن، دیدن و ...) می‌فهمید؛ اما اکنون که زبان گشوده، راه جدیدی برای ارتباط با جهان و فهم آن، پیش‌رویش، باز می‌شود. از این پس به دریافت‌های حسی خویش بسنده نمی‌کند و برای فهمیدن و شناخت جهان اطراف خود، از دانسته‌های دیگران نیز بهره می‌برد. پرسش و پاسخ از دیگران، نردبام شکوفایی ظرفیت دیگری از او می‌شود و باز هم راه دیگری برای فهم جهان هستی می‌گشاید. راهی که گویا در میان موجودات دنیا، تنها برای آدمی گشوده شده است: انسان با تفکر و تعقل از دیده‌ها، شنیده‌ها و خواننده‌هایش نیز فراتر می‌رود؛ معنای پدیده‌های اطراف خود را درک می‌کند و به آگاهی گسترده‌تر و عمیق‌تری از عالم و آدم می‌رسد و ...

امروزه کودکان از شش سالگی به مدرسه می‌روند و در سنین بالاتر راهی دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراکز تخصصی دیگر می‌شوند و دانش‌هایی را با عناوین مختلف علمی می‌آموزند. هر آنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی زندگی خود، مطالعات مدرسه‌ای، دانشگاهی و... می‌آموزند، ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی آنها را شکل می‌دهد. هر فرد، گروه، قوم، جامعه و امتی یک ذخیره دانشی دارند که راهنمای زندگی آنهاست. آیا تاکنون درباره ذخیره دانشی افراد و جوامع مطلبی خوانده یا شنیده‌اید؟ آیا در مورد روش‌های به‌دست آوردن، حفظ کردن و افزودن ذخیره دانشی اندیشیده‌اید؟ درباره انواع ذخیره دانشی چه می‌دانید؟

دانش عمومی

می‌دانید کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. ولی ما اغلب از آگاهی و دانشی که نسبت به کنش‌های خود داریم و از اهمیت و نقشی که این آگاهی در زندگی ما دارد غافلیم.

وقتی به کنش‌های روزمره خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، رانندگی، احوالپرسی، خرید و کارهای ساده و پیچیده دیگر دقت می‌کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم این کارها، بدون آگاهی و دانش خاصی انجام می‌شود یا ممکن است فکر کنیم دانشی که برای انجام این کارها داریم اهمیت چندانی ندارد.

فرض کنید به پیشنهاد دوستی به یک میهمانی دعوت شده‌اید که کسی را نمی‌شناسید. در چنین موقعیتی دقت و احتیاط شما بیشتر می‌شود. پیش از انجام هر کاری فکر می‌کنید. حتی به اینکه چگونه راه بروید، چگونه حرف بزنید یا چگونه غذا بخورید، می‌اندیشید. در این موقعیت متوجه می‌شوید در راه رفتن، غذا خوردن و حرف زدن شما آگاهی‌ها و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت از نظر و توجه شما پنهان بوده است.

هیچ یک از کنش‌های اجتماعی ما بدون آگاهی و دانش انجام نمی‌شود. اگر این دانش نباشد، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌پاشد. این دانش، دانش حاصل از زندگی است و انسان‌ها آن را در طول زندگی خود به‌دست می‌آورند. ما انسان‌ها با ورود به جهان اجتماعی با دیگرانی که در آن جهان اجتماعی زندگی می‌کنند، در مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانش‌ها سهیم و شریک می‌شویم. این نوع از دانش را «دانش همگانی» یا «دانش عمومی» می‌گویند. به نظر شما چرا این دانش‌ها و آگاهی‌ها را به این نام می‌خوانیم؟

تصویری از یک فیلم

تصویری از یک فیلم

فردی را در نظر بگیرید که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند. چنین فردی در برخورد با موقعیت‌های بسیاری که از آنها آگاهی ندارد با مشکل مواجه می‌شود و نمی‌تواند کاری انجام دهد. همچنین اگر بخواهد برای انجام بسیاری از کارهای خود بیندیشد، زندگی‌اش بسیار پرزحمت می‌شود. به نظر شما، چه راه و چاره‌ای پیش روی وی قرار دارد؟ او وقتی برای انجام عملی، فکر می‌کند و آگاهی لازم برای انجام آن را به دست می‌آورد، در صورتی که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد، برای انجام آن در دفعات بعدی از همان دانش قبلی استفاده می‌کند و آن عمل در دایره عادت او قرار می‌گیرد. بدین ترتیب در وقت و انرژی او صرفه جویی می‌شود و ظرفیت ذهنی‌اش را در فعالیت‌های دیگری که باید برای آنها بیندیشد، به کار می‌گیرد و بدین ترتیب به سختی ذخیره دانشی او افزوده می‌شود.

ما انسان‌ها، نه به تنهایی، بلکه با هم زندگی می‌کنیم. از این رو مجبور نیستیم خودمان به تنهایی و جداگانه، دانش لازم برای تک‌تک کنش‌هایمان را تولید کنیم. جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگی) که در آن زندگی می‌کنیم، دانش زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد. دانش عمومی، گسترده‌ترین بخش از ذخیره دانشی ما را تشکیل می‌دهد. ما درباره دانش عمومی، کمتر می‌اندیشیم و بیشتر از آن استفاده می‌کنیم و در تعامل با یکدیگر آن را به کار می‌بریم. دانش عمومی برای زندگی اجتماعی، همانند هوا برای بدن انسان است. انسان همواره از هوا استفاده می‌کند، اما در اغلب موارد متوجه آن نیست و از اهمیت آن غافل است. ما هنگامی متوجه وجود هوا می‌شویم که در آن تغییری رخ دهد یا تنفس ما با مشکلی مواجه شود.

آموزش در دوره‌های مختلف زندگی

آموزش در دوره‌های مختلف زندگی

به نظر شما یادگیری دانش عمومی در کدام مرحله زندگی انسان آغاز می‌شود و تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟

دانش علمی

ما دانش عمومی را در نخستین مرتبه از طریق احساس، مشاهده و عمل روزانه خود، در زندگی مشترک با خانواده و دیگران فرا می‌گیریم. در مراحل بعدی دانش دقیق‌تر و عمیق‌تری را نسبت به آموخته‌های اولیه خود به دست می‌آوریم. به این دانش عمیق بعدی، دانش علمی می‌گویند. دانش علمی حاصل تأمل، خردورزی و کاوش‌های عقلی نسبت به دانش عمومی و سایر ذخایر علمی جامعه است.

کسی که دارای دانش علمی است اولاً به درک عمیقی از شناخت عمومی و ذخایر علمی محیط خود می‌رسد؛ ثانیاً آسیب‌ها و اشکالاتی را که در شناخت عمومی و ذخایر علمی راه پیدا کرده باشد، شناسایی می‌کند؛ ثالثاً قدرت حراست و دفاع از حقایق موجود در شناخت عمومی را پیدا می‌کند.

مقایسه کنید

زبان یک پدیده اجتماعی است. ما درباره این پدیده اجتماعی، هم «دانش عمومی» و هم «دانش علمی» داریم. این دو نوع دانش را (دانش کاربران و سخنگویان زبان فارسی با دانش متخصصان زبان فارسی) مقایسه کنید.

تلاش‌های علمی عالمان به تدریج بر ذخیره دانش علمی جامعه می‌افزاید و دانش عمومی را نیز غنی‌تر می‌کند. دانش علمی جامعه در تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی نیز رشد و توسعه پیدا می‌کند؛ یعنی هر وقت در جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود، زمینه لازم برای پیدایش و رشد دانش علمی نسبت به آن مسئله نیز فراهم می‌شود؛ مثلاً کاهش یا افزایش بی‌رویه جمعیت یک کشور می‌تواند زمینه فعالیت دانش جمعیت‌شناسی را فراهم کند.

پزشکی قدیم و جدید

سطح شیب‌دار

انسان در زندگی اجتماعی همواره با مسائل و مشکلات زیادی مواجه می‌شود؛ مسائلی چون ناامنی، ترافیک، اعتیاد، آلودگی هوا، بحران آب، بیکاری، فقر، نابرابری، قانون‌گریزی، خودکشی، بحران هویت، بحران اخلاقی و بحران آگاهی مسائل مهمی هستند. هر چند در یک سطح از اهمیت نیستند و برخی از آنها از اهمیت بیشتری برخوردارند. بسیاری از این مشکلات را همه کسانی که از دانش عمومی جامعه برخوردارند می‌شناسند و برای حل مشکلات گفت‌وگو می‌کنند و راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهند. افرادی که شناخت علمی نسبت به دانش عمومی دارند به شناخت دقیق علمی این مشکلات می‌پردازند و می‌کوشند تا راهکارهای صحیح برای حل آنها را شناسایی کنند. گاهی در جامعه، بین «دانش عمومی» و «دانش علمی» تعارضاتی پدید می‌آید. اعضای جامعه برای حل این تعارضات، تلاش می‌کنند. حل تعارضات گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر، و گاه با طرح ایده‌های جدید و... انجام می‌شود.

متن امیرکبیر

کارت اهدا عضو

جهان‌های اجتماعی مختلف براساس هویت فرهنگی خود، تعاریف متفاوتی از دانش علمی دارند. به عنوان مثال جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، دانش علمی را محدود و منحصر به دانش تجربی می‌دانست و سایر روش‌های عقلانی و وحیانی را از دایره علم بیرون می‌راند. اگر این تلقی جهان متجدد از علم^۱، در جوامع دیگری که روش‌های تجربی، عقلانی و وحیانی را معتبر می‌داند، رسوخ کند تعارضاتی را در ذخیره دانشی آن جوامع پدید می‌آورد. در چنین شرایطی، ارتباط دوسویه و رو به رشد دانش عمومی و دانش علمی گسسته می‌شود؛ دانش علمی، از رشد و رونق لازم باز می‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد.

۱- البته این تلقی از علم، هم‌اکنون در جهان غرب نیز پذیرفته نیست و با مخالفت‌های بنیادی متفکران غربی از رونق افتاده است.

ابزارهای قدیم

ابزارهای جدید

بخوانیم و بدانیم

وقتی درباره موضوعی دانش علمی قابل توجهی فراهم می‌شود علم ویژه‌ای شکل می‌گیرد. هر علمی درباره موضوع خاصی بحث می‌کند. از این رو تفاوت علوم به تفاوت موضوع آنها مربوط می‌شود. مثلاً موضوع فلسفه، وجود، موضوع ریاضی، کمیّت، موضوع فیزیک، طبیعت و موضوع زیست‌شناسی موجودات زنده است. آیا می‌دانید موضوع علوم اجتماعی چیست؟

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که به جای «موضوع» علوم بر «روش» علوم تأکید کردند. آنها گمان کردند تنها روش کسب علم، حس و تجربه حسی است و با سخن گفتن از وحدت روش علوم، به تدریج این برداشت را دامن زدند که تنها «علم تجربی» علم است؛ آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی نامیدند و در حوزه علوم انسانی و اجتماعی نیز فقط دانش‌هایی را که با تجربه قابل اثبات باشد معتبر قلمداد کردند. این جریان فکری از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی رنگ باخت. یکی از این چالش‌ها، علم ریاضی بود. علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما خلاف نتایج آن باشد، آن تجربه را نادرست می‌دانیم. مثلاً اگر هزار نفر بیابند و ۵۳۲ گردو را در کنار ۳۶۲ گردو بشمارند و مجموع این گردوها را ۸۹۵ گردو اعلام کنند، نظر همه آنها را نادرست می‌دانیم. یا اگر هزار نفر با نقاله زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همه آنها را خطا می‌دانیم.

پیشنهاد دهید

ایده علوم اجتماعی بومی (اسلامی و ایرانی) ناظر به برخی از مسائل بالا مطرح شده است. ما دانشی می‌خواهیم که همسو با هویت فرهنگی و ناظر به حل مسائل جامعه خودمان باشد (دانش مفید) و همچنین دغدغه کشف واقعیت و تشخیص درست و غلط داشته باشد (به زبان و منطق جهان شمول سخن بگوید). شما برای اینکه نظام علمی کشور ما همسو با هویت فرهنگی ما، پاسخگوی مسائل و مشکلات جامعه خودمان باشد و از سویی دیگر در گشودن مرزهای دانش علمی به روی جهانیان مشارکت داشته باشد چه پیشنهاداتی دارید؟

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

مطالب مهم درس را در قالب جمله بنویسید.^۱ در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید یا ارتباط آنها را نشان می دهید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌هایتان را بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس به دنبال پاسخ دادن به چه پرسش‌هایی است.

موضوع علوم مختلف

علوم اجتماعی

درس دوم

هر کدام از شما، تا قبل از حضور معلم در کلاس، مشغول کارهایی مانند مطالعه کردن، صحبت با دوستان یا بگو و بخندهای معمولی بودید. اما با حضور معلم و شروع رسمی کلاس، رفتار شما نسبت به قبل از شروع کلاس، تغییر می‌کند. مثلاً اگر تا دقایقی قبل، با دانش‌آموز کنار دستی مشغول گپ‌و‌گفت بودید، ناگهان به سمت جلوی کلاس برمی‌گردید و صحبت‌تان را قطع می‌کنید. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که با حضور معلم و شروع رسمی کلاس، چه اتفاقی می‌افتد که دانش‌آموزان، تقریباً همه حرف‌ها یا کارهای ضروری‌شان را کنار می‌گذارند و همگی به شیوه معینی رفتار می‌کنند؟ اگر همه دانش‌آموزان کلاس شما در جایی مانند زمین ورزش یا در زنگ تفریح کنار هم قرار بگیرند، رفتار آنها دیگر مانند رفتارشان در کلاس درس نیست. یا مثلاً اگر در همین کلاس، با حضور همه دانش‌آموزان، معلم، میز و صندلی‌ها جشن یا مراسمی دیگر برگزار شود، دیگر کسی به آن کلاس درس نمی‌گوید و رفتار دانش‌آموزان یا معلم مانند کلاس درس نیست. بنابراین کلاس درس، هرچند از اجزا و عناصری مانند اتاق، میزها، صندلی‌ها، دانش‌آموزان و معلم تشکیل شده، اما خود واقعیت دیگری است که بر همه این عناصر تأثیر می‌گذارد. ما معمولاً از آثار پدیده‌ها، پی‌به‌وجود آنها می‌بریم. از آثار کلاس درس پی‌می‌بریم که کلاس درس یک واقعیت خاص با نظم و قواعد ویژه است.

همه ما تأثیر اجتماعی مثل کلاس درس، محله، خانواده، روستا، شهر و کشوری را که در آن زندگی می‌کنیم بر رفتار خودمان احساس می‌کنیم و در مقابل، کم و بیش متوجه تأثیر کنش‌های خود در ایجاد، تداوم و تغییر این اجتماعات هستیم. علوم اجتماعی دانش‌هایی هستند که این اجتماعات و چگونگی اثرگذاری آنها بر شیوه زندگی ما و اثرپذیری آنها از کنش‌ها و شیوه زندگی ما را به روش علمی مطالعه می‌کند. مطالعه علمی اجتماعات انسانی

(زندگی اجتماعی و قواعد آن) به شکل‌گیری علوم اجتماعی انجامید. آیا می‌دانید علوم اجتماعی چه فوایدی دارد؟ چه شاخه‌ها و انواعی دارد؟ از جامعه‌شناسی چه می‌دانید؟

فواید علوم اجتماعی

اغلب ما در مورد علوم طبیعی چیز زیادی نمی‌دانیم، با وجود این می‌پذیریم که علم فیزیک (یکی از زیر شاخه‌های علوم طبیعی) خوب است و نتایج عملی سودمندی دارد و حتی اگر پیشاپیش بدانیم که نمی‌توانیم آن را درک کنیم، معدود افراد هوشمندی را که قادر به این کار هستند درخور تشویق می‌دانیم.

به نظر شما علوم اجتماعی چه فوایدی می‌توانند داشته باشند؟

با مقایسه علوم طبیعی و علوم اجتماعی برخی از فواید علوم اجتماعی به شرح زیر آشکار می‌گردد: علوم طبیعی، جهان طبیعی و پدیده‌های آن را مطالعه می‌کنند. این علوم با شناخت طبیعت و قوانین آن، قدرت پیش‌بینی و پیشگیری از حوادث طبیعی را برای انسان فراهم می‌آورند و به او در استفاده از طبیعت کمک می‌کنند. علوم طبیعی و فناوری حاصل از آنها ابزار بهره‌مندی انسان از طبیعت و وسیلهٔ غلبه او بر محدودیت‌های طبیعی‌اند.

فضای مجازی

تکنولوژی پیشرفته در پل و تونل

علوم اجتماعی نیز با شناسایی کنش‌های اجتماعی انسان‌ها، قدرت پیش‌بینی نسبت به آثار و پیامدهای فعالیت‌های اجتماعی را پدید می‌آورند. البته قدرت پیش‌بینی علوم اجتماعی به دلیل آگاهانه و ارادی بودن کنش‌های انسانی و تنوع آنها، از پیچیدگی بیشتری نسبت به علوم طبیعی برخوردار است. دانشمندان علوم اجتماعی تلاش می‌کنند تا نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند.

آنها با کشف این قواعد می‌توانند تأثیرات اجتماعات را بر زندگی ما توضیح دهند. ما با شناخت قواعد زندگی در خانواده، کلاس، شهر، محله، کشور و دیگر اجتماعات می‌توانیم از فرصت‌های آنها برخوردار شویم و از آسیب‌های احتمالی زندگی در اجتماعات مختلف در امان بمانیم.

علاوه بر این، علوم اجتماعی می‌توانند زمینه فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف را از یکدیگر فراهم کنند و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک کنند. در علوم اجتماعی ظرفیت داوری درباره ارزش‌ها و هنجارهای زندگی اجتماعی و امکان انتقاد و اصلاح آنها نیز وجود دارد. علوم اجتماعی با داوری و انتقاد درباره کنش‌های اجتماعی، فرصت واکنش و موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمند فراهم می‌آورد.

علم سکولار

بمب اتم

می‌دانید که پیدایش فناوری‌ها با پیشرفت علوم طبیعی حاصل شد. امروزه فناوری‌ها نقش بسیار زیادی در زندگی انسان‌ها ایفا می‌کنند؛ مزایا و فرصت‌ها و نیز محدودیت‌ها و آسیب‌های فراوانی در پی دارند. علوم اجتماعی، آگاهی‌های عمیقی درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری برای انسان‌ها فراهم می‌کنند. علوم اجتماعی به شناخت شیوه صحیح استفاده از طبیعت و علوم طبیعی کمک می‌کنند. به همین دلیل، علوم اجتماعی نسبت به علوم طبیعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

گفت‌وگو کنید

با توجه به آنچه در بالا خواندید درباره دو واقعیت زیر گفت‌وگو و آنها را نقد و ارزیابی کنید.

- در کشور ما بسیاری از مدیران ارشد کشور فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان علوم طبیعی هستند که براساس وظایف رسمی، برنامه‌ریزی کشور را نیز به عهده دارند.
- امروزه سیطره فناوری بر زندگی بشر به گونه‌ای است که به جای اینکه انسان توسعه فناوری را هدایت و راهبری کند، فناوری کنترل زندگی انسان‌ها را عهده‌دار شده است.

شاخه‌های علوم اجتماعی

آموختید که علوم اجتماعی، کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن یعنی پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کند. کنش‌های اجتماعی ابعاد و اجزای مختلفی دارند و با توجه به ابعاد و اجزای خود، دانش‌های مختلفی را به وجود می‌آورند؛ مانند بدن انسان که ابعاد مختلفی دارد و تخصص‌های گوناگونی درباره آن پدید آمده است. زندگی اجتماعی انسان نیز به لحاظ داشتن ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... شاخه‌ها و دانش‌های اجتماعی متفاوتی را به دنبال آورده است. اقتصاد، حقوق، سیاست، تاریخ، باستان‌شناسی، ارتباطات، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت، روان‌شناسی اجتماعی و جغرافیای انسانی از جمله رشته‌هایی اند که پدیده‌های اجتماعی را مطالعه می‌کنند و در محیط‌های آموزشی مختلف فعال‌اند.

شاخه‌های علوم
اجتماعی

شاخه‌های علوم
اجتماعی

داوری کنید

انتخاب رشته تحصیلی یکی از تصمیم‌های مهم زندگی ماست. برای انتخاب رشته، رشته‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. برای مقایسه رشته‌های علمی با یکدیگر به ملاک و معیار نیاز داریم. بسیاری از خانواده‌ها بیشتر با ملاک آینده شغلی به ارزیابی رشته‌ها می‌پردازند و هر رشته‌ای را که از نظر اقتصادی و فرصت‌های شغلی آینده بهتری داشته باشد ترجیح می‌دهند. معیار و ملاک آینده شغلی را اغلب محیط اجتماعی تعیین می‌نماید و با تغییر شرایط محیطی تغییر می‌کند. به نظر شما، در بین رشته‌های علوم اجتماعی کدام رشته از آینده شغلی بهتری برخوردار است؟ آیا ملاک دیگری غیر از فرصت شغلی برای مقایسه رشته‌های علمی وجود دارد؟

جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی نیز یکی از رشته‌های علوم اجتماعی است. برخی از جامعه‌شناسان، آن را علم شناخت «کنش اجتماعی» و بعضی دیگر علم شناخت «ساختار اجتماعی» دانسته‌اند. (با مفهوم ساختار اجتماعی در درس بعد آشنا می‌شوید) گروه اول که کنش اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی خرد را مطالعه می‌کنند، جامعه‌شناسی خرد را شکل داده‌اند. به جامعه‌شناسی گروه دوم که ساختار اجتماعی و سایر پدیده‌های اجتماعی کلان را مطالعه می‌کنند، جامعه‌شناسی کلان گفته می‌شود. اما، جامعه‌شناسی خرد و کلان نیازمند به هم و مکمل یکدیگرند.

در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی رویکردهای مختلفی شکل گرفت. سه رویکرد اصلی در تاریخ تحولات جامعه‌شناسی عبارت‌اند از:

الف) جامعه‌شناسی پوزیتیویست

موفقیت بی‌سابقه علوم طبیعی یکی از علل علاقه جامعه‌شناسان در نزدیک شدن هر چه بیشتر به علوم طبیعی بود. از این رو جامعه‌شناسی در آغاز شکل‌گیری (قرن نوزدهم میلادی) سعی داشت کمترین فاصله را با علوم طبیعی به‌ویژه علم فیزیک داشته باشد. به همین دلیل آگوست کنت (۱۸۵۷ - ۱۷۹۸ میلادی) بنیان‌گذار جامعه‌شناسی، ابتدا نام فیزیک اجتماعی را برای این رشته برگزید. در این رویکرد، «پدیده‌های اجتماعی» مانند «پدیده‌های طبیعی» و «جامعه» همانند «طبیعت» قلمداد می‌شوند و روش‌های مطالعه آنها نیز یکسان است؛ روش مطالعه طبیعت و جامعه روش حسی و آماری است. در این رویکرد، همان‌طور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل طبیعت را برای انسان‌ها امکان‌پذیر می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، قدرت پیش‌بینی، پیشگیری و کنترل جامعه را برای انسان‌ها میسر می‌سازد. در پایان قرن هجدهم، غلبه رویکرد دنیوی در جوامع صنعتی و فروپاشی ارزش‌ها و هنجارهای پیشین، شناخت پدیده‌های اجتماعی را برای کنترل آنها ضروری ساخت و زمینه شکل‌گیری این رویکرد به جامعه‌شناسی را فراهم آورد. این رویکرد که جامعه‌شناسی را در زمره دانش‌های ابزاری^۱ قرار می‌دهد با نام جامعه‌شناسی پوزیتیویست یا اثباتی شناخته می‌شود.

۱- علوم طبیعی و تکنولوژی حاصل از آنها ابزار تسلط انسان بر طبیعت و وسیله رهاسازی او از محدودیت‌های طبیعی‌اند. به همین دلیل به آنها «دانش‌های ابزاری» نیز می‌گویند. در حالی که علوم اجتماعی علاوه بر نقش دانش‌های ابزاری می‌توانند نقش دانش‌های تفهمی و انتقادی را نیز ایفا کنند.

مطالعات آزمایشگاهی

آزمایشگاه‌های روان‌شناسی

ب) جامعه‌شناسی تفهیمی

در قرن نوزدهم، در کشور آلمان، متفکران اجتماعی مانند ویلهلم دیلتای و ماکس وبر، مدعی شدند که هر چند جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی نظم و قواعد خاصی دارد، اما انسان‌ها مانند موجودات طبیعی نیستند و کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی نیز با پدیده‌های طبیعی تفاوت دارند. وبر معتقد بود انسان‌ها برخلاف موجودات طبیعی، به شکل معناداری عمل می‌کنند. کنش اجتماعی انسان، معنادار و آگاهانه است و پدیده‌های معنادار را نمی‌توان همانند پدیده‌های طبیعی از طریق مشاهده مطالعه کرد. بلکه باید سعی کرد از درون، معنای کنش انسان‌ها را فهمید. این رویکرد از جامعه‌شناسی به «جامعه‌شناسی تفهیمی» مشهور شد. برای فهم نظر جامعه‌شناسان تفهیمی به مثال زیر توجه کنید:

بوق زدن یک کنش انسانی است. شما از ویژگی‌های بیرونی و مشاهده‌پذیر بوق؛ مانند طول موج و فرکانس، معنای آن را نمی‌فهمید. بوق‌ها، علی‌رغم ظاهر یکسان در موقعیت‌های مختلف، معانی متفاوتی دارند. بوق زدن می‌تواند به معنی سلام کردن، تشکر کردن، هشدار دادن، شادی کردن، اعتراض کردن و... باشد. شما زمانی می‌توانید بوق زدن یک فرد یا گروه را بشناسید و کنش متناسب با آن را داشته باشید که معنای آن را بفهمید.

فهم معنا

فهم معنا

علی‌رغم تأکید وبر بر «روش تفهیمی» به عنوان روش ویژه علوم اجتماعی، او همچنان دانش علمی را محدود به علم تجربی می‌دانست و مدعی بود آنچه جامعه‌شناسان می‌فهمند اگر به کمک روش‌های آماری اثبات نشوند، ارزش علمی ندارند. از این رو جامعه‌شناس صرفاً می‌تواند آرمان‌ها و ارزش‌های بشری را توصیف کند و از آنجا که این پدیده‌ها به روش حسی و آماری قابل مطالعه و ارزیابی علمی نیستند، جامعه‌شناسان نمی‌توانند درباره آرمان‌ها و ارزش‌های بشری داوری علمی کنند. مثلاً جامعه‌شناس می‌تواند با زندگی کردن با اعضای یک فرقه مذهبی یا سیاسی، عقاید و ارزش‌های آنها را بفهمد و توصیف کند، اما نمی‌تواند درباره درست یا غلط بودن این عقاید و ارزش‌ها داوری کند و به نقد یا اصلاح آنها بپردازد، زیرا از نظر وبر با این کار جامعه‌شناس از دایره علم خارج می‌شود یا به نام علم، کار غیرعلمی می‌کند.

ج) جامعه‌شناسی انتقادی

در طول قرن بیستم، جامعه‌شناسی باز هم از علوم طبیعی فاصله گرفت و نوع جدیدی از جامعه‌شناسی پدید آمد. این نوع جدید جامعه‌شناسی به راهی که تفهیمی‌ها در تفاوت میان پدیده‌های طبیعی و پدیده‌های اجتماعی پیمودند، بسنده نکرد و در مسیر دوری از علوم طبیعی، گام‌های بلندتری برداشت. در این رویکرد جامعه‌شناسان علاوه بر روش آماری و تفهیمی، سطوح دیگری از شناخت و آگاهی را به رسمیت می‌شناسند که با روش آماری و تفهیمی به دست نمی‌آید. به همین دلیل جامعه‌شناس با آنکه معیار حسی و تجربی ندارد، می‌تواند به داوری ارزش‌ها و هنجارها بپردازد و توصیه‌های خود را برای گذار از شرایط موجود به سوی وضعیت مطلوب ارائه کند. این نوع از جامعه‌شناسی به «جامعه‌شناسی انتقادی» شهرت یافت. مهم‌ترین هدف جامعه‌شناسان انتقادی، نقد وضع موجود زندگی اجتماعی، برای ایجاد یک وضعیت مطلوب‌تر است. جامعه‌شناسی انتقادی، دو صورت قبلی جامعه‌شناسی (پوزیتیویست و تفهیمی) را محافظه‌کار می‌داند، زیرا قادر به داوری نسبت به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی نیستند و به همین دلیل به شرایط موجود - هرچه باشد - تن می‌دهند.

انتقاد

انتقاد

با تکمیل جدول زیر سه نوع جامعه‌شناسی اثباتی، تفهیمی و انتقادی را مقایسه کنید.

جامعه‌شناسی انتقادی	جامعه‌شناسی تفهیمی	جامعه‌شناسی پوزیتیویست	
			چه چیزی را مطالعه می‌کند؟
			چگونه مطالعه می‌کند؟
			چه هدفی را دنبال می‌کند؟

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

خلاصه کنید

مطالب مهم درس را در قالب جمله بنویسید.^۱ در این قسمت مفاهیم اساسی را تعریف می کنید یا ارتباط آنها را نشان می دهید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. در کلاس نوشته‌هایتان را بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و به نام نویسنده آن در کتاب خود بنویسید.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۱- برای پیدا کردن مطالب مهم درس از خود بپرسید این درس به دنبال پاسخ دادن به چه پرسش‌هایی است.